



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۴/



بهاؤل ملک

شرح حال عبدالملک عبدالرحیم زی

در آثار نویسندگان

بخش یازدهم



افغانستان در پنج قرن اخیر

نویسنده: میر محمد صدیق فرهنگ، چاپ دوم، پشاور ۱۳۶۷

صفحه ۴۶۰ ب.ب.

دوره سوم - دیکتاتوری محمد داود خان

اعلان خط مشی و هیأت وزیران

محمد داود خان به تاریخ ۶ سپتمبر ۱۹۵۳ به تشکیل کابینه موظف شد. اما چهارده روز پس از آن در ۲۰ سپتمبر کابینه و خط مشی اش را اعلان کرد. در کابینه او علی محمد خان وظیفه معاونی صدارت و محمد نعیم خان برادر صدراعظم وظیفه وزارت خارجه را بعهده داشتند و سایر اعضا هم تقریباً بالتمام از اعضای کلوب ملی بودند. در بین ایشان بزودی عبدالملک عبدالرحیم زی وزیر مالیه که از همکاران وزارت دفاع صدراعظم و مورد التفات خاص او بود مقام ممتاز حاصل کرد و با خارج ساختن عبدالرؤف حیدر وزیر تجارت از کابینه وزارت مذکور را هم بزیر اداره خود گرفت و در واقع صاحب اختیار امور اقتصادی شد.

در خط مشی حکومت جدید مسأله گرایش بسوی دموکراسی که شاه و صدراعظم سابق وعده داده بودند متروک گردید یا

به آینده بعید موکول شد و بجای آن دو نکته زیر در رأس وظایف حکومت قرار گرفت: یکی حل مسأله پشتونستان و دیگری انکشاف امور اقتصادی بر اساس پلان گذاری و اقتصاد رهبری شده. قرار بود این دو وظیفه عمده در زیر اداره مطلق شخص صدراعظم توسط دو نفر همکار نزدیک او محمد نعیم خان و عبدالملک خان در محل اجرا گذاشته شود.....

نخستین پلان اقتصادی:

در اول میزان سال 1335 هجری شمسی برابر با 22 سپتامبر سال 1954 میلادی اولین پلان پنجساله انکشاف اقتصادی افغانستان در زیر نظر عبدالملک عبدالرحیم زی وزیر مالیه در محل اجرا گذاشته شد، لیکن پیش از معرفی پلان و سیاست جدید اقتصادی می خواهیم نظر به گذشته انداخته نتایج سیاست قبلی را مبنی بر حمایت دولت از انحصارات خصوصی را بررسی کنیم .

قبلاً ذکر نمودیم که بانک ملی، انحصارات و امتیازات گسترده را در زمینه تجارت و اسعار در برابر تعهداتی بدست آورده بود که مهمترین آنها عبارت بود از انتقال بازار تجارت از ممالک همسایه به بازار های مبدأ و مقصد و ایجاد صنایع مواد مصرفی .

در دوران صدارت محمد هاشم خان، دولت از بانک حمایت کامل داشت و بانک با استفاده از آن گام هایی چند در جهت ایجاد صنایع و تنظیم تجارت برداشت. در این مدت فابریکه نساجی پلخمری با ظرفیت تولیدی دوازده ملیون متر پارچه در سال، فابریکه قند سازی بغلان با ظرفیت پنج هزار تن، دستگاه آبی برق چک وردک با ظرفیت چهار هزار کیلووات و پل خمری با ظرفیت نه هزار کیلو وات به کار افتاد. زراعت پنبه در نقاط مختلف سمت شمال کشور رایج گردید. بازار فروش پوست قره قل در لندن قایم شد و پس از آغاز جنگ از آنجا به نیو یارک انتقال یافت. در پایان جنگ، بانک ملی نخست کار خود را از سر گرفت اما هنگامیکه انحصارات بر منفعت پترول و شکر و موتر از آن سلب گردید، کار و فعالیت آن به سستی گرایید و یگانه دستگاه صنعتی جدیدیکه به میان آمد فابریکه نساجی گلنهار با ظرفیت 35 ملیون متر پارچه در سال و دستگاه برق آبی سروبی با ظرفیت ۲۲ هزار کیلووات.

اما در زمینه شکر سازی که شرایط طبیعی افغانستان برای آن مساعد بود، هیچ اقدام تازه صورت نگرفت. در حالیکه انحصار واردات شکر برای همین منظور سالیان دراز ببنانک سپرده شده بود. البته درین مدت توجه دولت بیشتر به وادی هلمند معطوف بود و سرمایه گذاری دولتی در آنجا متمرکز گردید. اما قراین نشان میدهد که انهماک(?) شخص زابلی به کار های سیاسی و اختلاف او با صدر اعظم جدید (شاه محمود خان) نیز در عدم تشبث و فعالیت بانک بی تأثیر نبوده است.

راجع به درجه کامیابی بانک در دوره تسلط آن بر اقتصاد کشور میتوان گفت که، موسسه مذکور در بخش تجارت به پیمانه وسیع و در بخش صنایع باندازه محدود موفق بوده است. اما در قسمت کنترول اسعار خارجی و بکار انداختن منابع معدنی کشور که آنهم جزء تعهدات آن بود، کار قابل ذکری را انجام نداد. جدول زیر تحولات واردات و صادرات کشور را در سالهای جنگ و بلافاصله بعد از آن ارائه می کند:

احصائیه واردات و صادرات به ملیون دالر

سال	واردات	صادرات
1939	27.7	34.2
1940	32.8	41.0
1941	42.7	37.0
1942	26.5	17.4
1943	23.7	35.0

44.2	25.6	1944
56.5	48.2	1945
60.0	53.0	1946
54.2	50.0	1947
55.0	53.0	1948

عبدالملک خان عبدالرحیم زی وزیر مالیه و کفیل وزارت اقتصاد که پلان در زیر نظر او ترتیب شد، از صاحب منصبانی بود که به ترکیه فرستاده شده و در آنجا در شق محاسبه و لوازم اردو، تحصیل کرده بود. وی در جریان تحصیل با سیاست اقتصادی آن زمان ترکیه که بر اتانیزم یا انکشاف اقتصادی عمدتاً از طریق سرمایه گذاری دولت بنا یافته بود، آشنایی بهم رسانده و اینک میخواست آنرا در افغانستان تطبیق نماید. اتفاقاً شرایط برای این کار از بسیار جهات مساعد بود، یکی اینکه روش قبلی اقتصادی مبنی بر دادن امتیاز و انحصار به یک دسته از سرمایه داران چنانچه اشاره رفت، در نتیجه رکود کار های بانک ملی حیثیت و اعتبار خود را از دست داده بود. دیگر اینکه سبیه و اخلاق صدر اعظم جدید که مداخله در هر کار را حق مسلم خود می شمرد برای اقتصاد کاملاً مجال کار و فعالیت باقی نمی گذاشت و سوسیالیزم را نیز چه از نوع متکی بر پلانگذاری مرکزی و چه از جنس مبنی بر دموکراسی نمی پذیرفت. بنا بر این پیشنهاد عبدالرحیم زی مورد قبول واقع شد و وی دستور یافت تا پلان را بر اساس نظریه اقتصاد مختلط و رهبری شده که اکنون در یک تعداد از کشور های جهان سوم در محل تطبیق بود، تهیه و ترتیب نماید .

وزیر مالیه کار تهیه پلان را با عجله و شتاب و با فقدان کامل ارقام و اعداد و احصائیه های لازم رویدست گرفت، اما او مرد با جرأت و سر سختی بود و بدون اعتناء باین دشواری ها تا سال ۱۹۵۶ طرح نخستین پلان اقتصادی را بر اساس فهرستی از پروژه ها که از وزارت خانه ها بدست آورد و تعیین حق اولویت در بین آنها بر مبنای قضاوت شخصی خودش ترتیب نموده و بهمان عجله و شتاب از مجلس وزراء گذارش داد .

درین پلان از جمله تقریباً 8.5 هزار ملیون افغانی سرمایه گذاری نو در حدود ۵۰ در صد به زراعت و آبیاری تخصیص داده شده بود، 14 در صد به مواصلات و مناقلات، 7 در صد به خدمات عامه (معارف و حفظ الصحه) و فقط 2 درصد به منابع صنایع و معادن. تقسیم بندی که بیشتر به مناسبات شخصی وزیر مالیه با سایر اعضای کابینه مربوط بود تا با ایجابات و امکانات واقعی اقتصاد کشور. از دیگر سو پروژه های انتخاب شده نیز با دقت لازم محاسبه و سنجش نشده بود و پیش بینی های آن با واقعیت فاصله زیاد داشت. برای توضیح این مطلب ذکر این نکته کافی است که مهمترین اهداف پلان را افزایش مقدار 1259000 جریب زمین نو بزمین های زیر زراعت موجود در کشور تشکیل میداد، اما برای چنین کار بزرگ تنها مبلغ 2294 ملیون افغانی در نظر گرفته شده بود، یعنی تقریباً دو هزار افغانی برای آبیاری و زیر زراعت آوردن هر جریب زمین که نه تنها محاسبات اقتصادی بلکه عقل سلیم هم امکان اجرای چنین کار بزرگ را در چنین مدت کوتاه و باین مصرف نا چیز رد می کرد.

با وصف آن پلان در محل تطبیق قرار گرفت اما دیری نگذشت که با موانع جدی روبرو شد. از یکسو سرمایه خصوصی بعلت رفتار حاکمانه و پر خشونت دولت از همکاری با آن خودداری کرد و از دیگر سو اعتبارات خارجی که بخش عمده آن اعتبار یک صد ملیون دالری اتحاد شوروی بود حاضر نشد. خود را با ایجابات پلان هم آهنگ سازد، بلکه بر اساس موافقت نامه های جداگانه بکار هایی تخصیص یافت که با پلان ارتباط نداشت. بر مبنای این موافقت نامه ها بخش بزرگ سرمایه گذاری بجای زراعت در امور زیر بنایی خصوصاً سرک سازی و تولید برق متمرکز گردید و اجراءات بگونه ای روز افزون از پیش بینی ها فاصله گرفت. وزیر مالیه جهت بدست آوردن کمک های اضافی به امریکا رفت. اما در آنجا هم به مقصد نرسید زیرا دولت امریکا هم به بخش های ویژه مثل معارف و وادی هلمند که حیثیت و

اعتبار خود را در افغانستان به آن وابسته میدانست، علاقمند بود تا به کامیابی پلان که اساساً بدون مشوره آن ترتیب شده بود.

گرفتاری عبدالرحیم زی و آزادیخواهان:

یکی از اشخاصی که بزودی متوجه نواقص پلان گردید، محمد نعیم خان وزیر امور خارجه بود که آنرا در مجلس وزراء مطرح ساخت و در اثر آن برخوردی بین او و عبدالرحیم زی که به عزت نفس خود پابند و به مقام و منزلت خود در نزد صدر اعظم متکی بود، رخ داد. اما عاقبت وزیر مالیه در برابر محمد نعیم خان مغلوب و مجبور به استعفاء گردید و متعاقب آن در ماه جولای 1957 با ادعای مبهم و بدون دستاویز نالایقی و تقلب زندانی گردید.

حبس وزیر مالیه به این شکل در طرز اداره کشور عقب گرد بزرگی به شمار می رفت. زیرا نه تنها اقدام مواد 95 و 96 قانون اساسی را در مورد گرفتاری و محکمه وزیران نقض می کرد، بلکه با گرفتاری همزمان برادران و همکاران اداری او، روش استبدادی و خود کامه دوران محمد نادر شاه و محمد هاشم خان را احیاء می کرد و اندک احساس مسئولیتی را که در نزد مردم پیدا شده بود از بین میبرد. در محیط چنین شایع گردید که علت اصلی سقوط وزیر مالیه این بود که وی پیشنهاد کرده بود تا دارایی شخصی محمد هاشم خان صدر اعظم اسبق که در خارج سرمایه گذاری شده بود، واپس به کشور انتقال یافته در پروژه های جزء پلان اقتصادی صرف شود. اما این شایعه که شخص وزیر مالیه پس از خروج از زندان آنرا تصدیق کرد، توسط کدام سند یا روایت معتبر دیگر تایید نشده است.

متأسفانه دولت به این هم بسنده نکرد و بدنبال گرفتاری وزیر مالیه به ادعای کشف دسیسه مجهول، یک تعداد از روشن فکران را که بیشتر از اعضای حزب وطن بودند، فقط به دلیل علاقمندی شان به دموکراسی و مشروطیت گرفتار کرد. درین ضمن حاجی عبدالخالق خان معاون انتخابی بلدیۀ کابل، غلام حیدر پنجشیری، میر علی احمد شامل، محد آصف آهنگ و نادر شاه هارونی توقیف گردیده پس از شکنجه های غیر انسانی با ادعای خنده آور حمل اسلحه امریکایی از طریق اتحاد شوروی به افغانستان جهت اجرای کودتا، تا پایان دورۀ صدارت محمد داود خان در زندان بجا ماندند.

پایان بخش یازدهم

یار زنده صحبت باقی...

در بخش دوازدهم، بیان حقایق و انتقاد خاطرات سید قاسم رشتیا، مؤلف عبدالحمید مبارز.

تأسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان، نویسنده حسن شرق.